

درآمدی بر سیاست‌های رسانه‌ای مقابله با جنگ نرم

نوشته

وحید خاشعی*

چکیده

پشتوانه هر اقدام نرمی قدرت نرم قرار دارد؛ به نحوی که قدرت نرم و جنگ نرم لازم و ملزوم یکدیگرند. جمهوری اسلامی ایران دارای پایگاه قدرت نرمی است که پایه های آن تشکیل شده از رهبری آن، فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی، توده‌های متصل و متشکلی که قابلیت انسجام و بسیج بالایی دارند، دین اسلام به عنوان پشتوانه نظری، معنابخشی و هویت‌بخشی به هر گونه اقدامی، نمادها و سمبل‌های ملی و اسلامی که پیونددهنده با گذشته تاریخی ملت است و همچنین الگوهای رفتاری ملموس و محسوسی که به عنوان نقاط مرجع اجتماعی هستند. جمهوری اسلامی با چنین پشتوانه قدرت نرمی در قرن بیستم علیه غرب مدرن به تهاجم برخاست. غرب نیز در چنین مواجهه‌ای که در برابر تمام ارکان نظری و عملی خویش دید، به پاسخ و حمله پرداخته است. ابزار رسانه‌ها در خدمت چنین غرضی قرار گرفته و فناوری‌های نوین در خدمت جبهه معارض انقلاب اسلامی قرار گرفته است. جبهه انقلاب اسلامی نیز که تنها در ایران منحصر نشده در مقام دفاع و حمله قرار دارد. آشنایی با ابزارهای جنگ نرم غرب علیه انقلاب اسلامی و همچنین سیاستگذاری بنیه رسانه‌ای جمهوری اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. بدین منظور مقاله حاضر ابتدا به تبیین ماهیت و هویت جبهه (شبکه) رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی و در ادامه به دنبال طراحی گزاره‌های سیاستی است که چراغ راه سیاست‌سازان، طراحان و مجریان رسانه‌های مختلف باشد.

کلید واژه: جنگ نرم، جنگ سخت، رسانه، شبکه‌سازی.

مقدمه

با کاوشی در سیر تعبیر رهبر انقلاب اسلامی به رویکرد غرب علیه جمهوری اسلامی تطوّر زیر را مشاهده می‌کنیم.

● تهاجم تبلیغاتی - ۱۳۶۸/۷/۲۴

* دانشجوی دکترای مدیریت سیاستگذاری دانشگاه شهید بهشتی

- تهاجم فرهنگی - ۱۳۶۸/۷/۲۴
- هجوم فرهنگی - ۱۳۶۹/۲/۱۲
- جنگ فرهنگی - ۱۳۶۹/۲/۱۲
- حمله فرهنگی - ۱۳۷۰/۵/۲۳
- توطئه فرهنگی - ۱۳۷۰/۵/۲۳
- شبیخون فرهنگی - ۱۳۷۱/۴/۲۲
- غارت فرهنگی - ۱۳۷۱/۴/۲۲
- قتل عام فرهنگی - ۱۳۷۱/۴/۲۲
- نیرنگ‌های فرهنگی - ۱۳۷۵/۱۰/۱۹
- هجوم تبلیغات - ۱۳۷۹/۱۱/۲۷
- شبیخون به سرمایه‌های معنوی - ۱۳۸۳/۴/۱۵
- حرکت فرهنگی و روانی - ۱۳۷۹/۱۲/۲۳
- انحلال فرهنگی - ۱۳۸۳/۶/۲۹
- تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی - ۱۳۸۳/۹/۱۱
- ناتوی فرهنگی - ۱۳۸۵/۸/۱۸
- جنگ‌های روانی و تبلیغاتی - ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
- تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم - ۱۳۸۸/۲/۲۲
- جنگ نرم - ۱۳۸۸/۶/۴

فراوانی و تعدد بیان‌های ناظر به جنگ نرم در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی بیانگر اهمیت این مقوله است؛ تا آنجا که در سال ۱۳۸۸ ایشان اولویت اول کشور را جنگ نرم دانستند. به چند نکته مهم در مقدمه باید توجه شود.

- اول اینکه؛ علل توجه جبهه معارض جمهوری اسلامی به جنگ نرم عبارتند از:
۱. گستره جنگ نرم فکر، اندیشه و فرهنگ ملت‌هاست، لکن گستره جنگ سخت و نظامی مرزهای جغرافیایی یک یا چند کشور است.
 ۲. سیاست جنگ نرم به دست آوردن باورها و اعتقادات ملت‌ها و به حاشیه کشاندن فرهنگ دینی- ملی جوامع است ولی هدف از حمله نظامی و جنگ سخت تصرف زمین و کسب منابع و مراکز مهم اقتصادی است.
 ۳. در کارکرد نظامی و جنگ سخت، تلفات و خرابی‌ها محسوس و ملموس است و در ضمن با هزینه کردن، قابل بازسازی است، ولی در جنگ نرم ویرانی‌ها و آسیب‌ها نامحسوس است و به آسانی بازسازی نمی‌شود.

۴. کارکرد جنگ نرم بلندمدت، کم‌دردسر و کم‌هزینه، اما جنگ سخت و نظامی کوتاه‌مدت، پردردسر و پرهزینه‌تر است.

۵. تلفات انسانی به ویژه در جبهه دفاع مقدس، تحت عنوان شهادت، با ارزش و ماندنی است ولی در عرصه فرهنگی و جنگ نرم ذهن‌ها و اندیشه‌ها آسیب می‌بیند و کمتر قابلیت معنویت‌سازی ملموس و محسوس وجود دارد (ولتون، ۱۳۸۷: ۱۵). از جمله اهداف جنگ نرم در حوزه فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملت‌هاست تا با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی در راستای فرهنگ‌سازی جهانی خواسته‌های خود را در تمام ابعاد تأمین کنند و در عمل اداره کشورها و به تعبیر صحیح‌تر اداره امور جهان را به دست گیرند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۱۰).

دوم اینکه؛ رسانه به عنوان ابزاری جهت مقابله با جنگ نرم به شمار می‌رود اما نباید فراموش کرد که جنگ نرم تنها از طریق رسانه‌ها نیست، بلکه جنگ نرم موضوعی است که شامل کنش، واکنش و فعالیت در حیطه اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ هر کشوری است. به نظر می‌رسد مهاجمین جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی با همه ابزارها و در همه ابعاد و عرصه‌ها وارد شده‌اند. یکی از مهم‌ترین ابزارها و تکنیک‌های جنگ نرم، رسانه است که این مهاجمین از آن استفاده می‌کنند. جنگ نرم اصولاً جنگی است که فرصت‌های داوطلبانه بدون خشونت را ایجاد می‌کند و بدون خونریزی می‌تواند در ایجاد افکار عمومی و جاذبه‌های فرهنگی و هنری در بخشی از جامعه مؤثر باشد. اگر فرض بر این باشد که دشمن از ابزار رسانه استفاده می‌کند، به این معناست که سیاست‌ها، دیپلماسی خارجی، رویکرد اقتصادی و فرهنگی خود را از طریق این ابزار به ما نشان می‌دهد.

سوم اینکه؛ جنگ نرم در شرایطی صورت می‌گیرد که قدرت نرمی وجود داشته باشد و دارندگان قدرت نرم می‌توانند از تاکتیک‌ها و فرصت‌های جنگ نرم استفاده کنند. قدرت نرم هم در جریان فرهنگی و سیاسی گفتمان جمهوری اسلامی وجود دارد و هم در گفتمان جریان رسانه‌ای غرب و بنابراین پایه و پایگاه جنگ نرم، قدرت نرم هر کشور و هر جریان است. بهترین راه مقابله با جنگ نرم ایجاد قدرت نرم در رسانه‌ها و بهترین وضع قدرت نرم، وحدت موضوع و وحدت نظری رسانه‌های جمهوری اسلامی در منافع و مسائل اساسی نظام و تولید در تکرار و انتقال است. به این ترتیب است که می‌توانیم با جنگ نرم دشمن مقابله کنیم. در غیر این صورت فقط باید نظاره‌گر همراهی‌هایی باشیم که اتفاق می‌افتد. هدف قدرت نرم افکار عمومی خارج و سپس داخل کشور است. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، جهان‌های ذهنی و غیرواقعی را به دنیا مخابره می‌کنند. آن‌ها دیگر به انتقال واقعیت فکر نمی‌کنند، بلکه واقعیت‌ها را می‌سازند. هدف رسانه‌ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه‌ای در این دنیا موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را

سازگار با آن‌ها نشان دهد. در عصر رسانه‌های نوین جهانی، به یاری فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات کسب قدرت نرم به مراتب راحت‌تر از به دست آوردن و نگهداری قدرت سخت است. دولت‌ها اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود بازتعریف کنند، در آن صورت مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت کنند (kogut, 2001: 264).

چهارم اینکه؛ قدرت نرم دو کارکرد اصلی دارد:

الف. کارکرد ایجابی: مشروعیت‌بخشی به نیروی خودی (حق با ماست) و اقناع توده مردم برای پشتیبانی از صاحب قدرت.

ب. کارکرد سلبی: مشروعیت‌زدایی از نیروی دشمن (این افراد شایسته نابودی هستند) و سلب مقاومت از آن‌ها.

مصادیق قدرت نرم جبهه جمهوری اسلامی عبارتند از: رهبری دینی و تأثیرات عمیق در سطوح مختلف منطقه، فرهنگ غنی اسلامی با محوریت جهاد و شهادت و انتظار، جمعیت جوان و نخبه کشور و قابلیت‌ها و فرصت‌های آنان، قدرت و همراهی مردم در صحنه با حکومت اسلامی، ظرفیت‌های راهبردی جغرافیای توسعه‌ای و نهایتاً دیپلماسی عمومی فعال اسلام سیاسی در منطقه و بسیج گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی.

پنجم اینکه؛ راه مقابله با جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، محدودیت رسانه‌ای نیست بلکه باید کثرت رسانه‌ها را حفظ کنیم و وحدت آن‌ها در موضوعات و توجه آن‌ها به منافع نظام اسلامی را تضمین کنیم. راهکار ایجاد تعامل و هم‌افزایی بین جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی، تبلیغ منافع مشترک و موضوعات مهم نظام و انعکاس بایدها و نبایدهای نظام در رسانه‌هاست. در این خصوص وفاق و هم‌اندیشی بین رسانه‌ها و افزایش تعامل بین رسانه ملی و سایر رسانه‌ها ضروری‌ست.

مفهوم‌پردازی جنگ نرم

جنگ نرم (soft war) در فرهنگ سیاسی به معنای فروپاشی از درون و در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ نرم با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها، نقش مهمی را در سست کردن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. از این رو برخی کارشناسان معتقدند مهم‌ترین ابزار در این رویارویی نهان رسانه‌ها و قلم نویسندگان است.

گروه‌های هدف در جنگ نرم، رهبران، نخبگان و توده‌های مردم هستند. نخبگان نیروهای میانی این نبرد را تشکیل می‌دهند و می‌توانند به عنوان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان یک حکومت مطرح باشند. نخبگان جامعه مدنی مانند رهبران احزاب با آشفتگی ذهنی خود، می‌توانند ترس را به ذهن مردم انتقال دهند، وحشت ایجاد کنند و روحیه ملت را درهم بشکنند.

از این رو این گروه به عنوان یک هدف همواره مورد توجه دشمن است، چرا که دگرگون کردن و نفوذ فکری در نخبگان بی‌بصیرت، به صورت خودکار، انحراف فکری بسیاری از مردم در در پی دارد و هزینه‌های دشمن را کاهش می‌دهد. از دیگر گروه‌های مورد هدف در جنگ نرم همواره دانشجویان و دانشگاهیان بوده‌اند، چرا که جنب و جوش، تحرک و بی‌پروایی این گروه به دلیل برخورداری از عنصر جوانی، کرسی علمی، نفوذ کلام و گستردگی جغرافیایی حضور آنان در کشور هدف، می‌تواند ضمن کم کردن هزینه‌ها، دستگاه تبلیغی مناسبی نیز برای دشمن فراهم کند. به همین دلیل بزرگان کشور همواره از جنبش‌های دانشجویی حمایت و آنان را به گسترش فعالیت در زمینه عدالت‌خواهی تشویق و آنان را به تفکر، تدبیر و دوری از افراط و تفریط و پرهیز از اقدامات عجولانه دعوت کرده‌اند.

جریان رقیب گفتمان جمهوری اسلامی از ظرفیت‌های نخبگان استفاده‌های فراوانی کرده و می‌کنند. ایشان فعالیت‌های گسترده‌ای با کمک دانشگاه‌ها، مؤسسات کوچک و اقماری مختلف و کمیته‌های ویژه سرویس‌های امنیتی و دیگر مراکز و نهادها انجام می‌دهند. دانشگاه‌ها با جذب و بورسیه کردن دانشجویان ایرانی و حمایت از تحقیقات و پایان‌نامه‌هایی با موضوعات تطبیقی، مؤسسات و بنیادهای مختلفی چون مؤسسات آماری، جمعیت‌های دفاع از حقوق بشر، برخی بنگاه‌های خبری و اخیراً با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی سعی در براندازی نرم جمهوری اسلامی دارند.

جنگ نرم در برابر جنگ سخت در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و با جنگ روانی، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ رایانه‌ای^۱، اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی، از اشکال جنگ نرم هستند. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.

مارک پالمر یکی از استراتژیست‌های معروف آمریکایی است که از او به عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی ایالات متحده نام می‌برند. پالمر در دولت‌های نیکسون، کارتر، ریگان و بوش در وزارت خارجه مشغول بوده و اکنون علاوه بر اینکه مدیر دپارتمان تحقیقاتی مرکز سیاست خارجی سابان در مؤسسه بروکینگز است، عضو کمیته خطر جاری است که اخیراً و در پی تحولات پیش آمده پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، گزارشی تحت عنوان «ایران - آمریکا، رهیافت جدید» را به گزارش درآورده است^۲. مارک پالمر نویسنده گزارش «ایران - آمریکا، رهیافت جدید» در استدلال خود صراحتاً با ایده تهاجم نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت و اعلام می‌کند که ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌نظیر تبدیل شده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ

آن را سرنگون کرد؛ بلکه تنها راه سرنگون‌سازی نظام جمهوری اسلامی، پی‌گیری مکانیسم‌های جنگ نرم و استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی تبلیغاتی است. این استراتژی که «دل‌تا» نام دارد، با استفاده از سه تاکتیک دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی توسط وی تعریف شده و در حال اجرا است.

پدیده جنگ نرم که هم اکنون به عنوان پروژه‌ای عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین و اجراست در شاخص‌هایی مانند ایجاد نابسامانی اقتصادی، شکل‌دادن به نارضایتی در جامعه، تأسیس سازمان‌های غیردولتی در حجم گسترده، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی برای ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اداری و اجرایی دولت، تضعیف حاکمیت ایران از طریق روش‌های مدنی و ایجاد ناتوی فرهنگی متبلور می‌شود. در برآیند جنگ نرم، عوامل براندازی یا از زمینه‌های موجود در جامعه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند یا به‌طور مجازی سعی در ایجاد نارضایتی در نزد افکار عمومی و سپس بهره‌برداری از آن دارند. استفاده از مشکلات اقتصادی، تنوع کثرت قومی ایران، ایجاد و دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکلهای دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، تلاش در نزدیکی به مردم تحت پوشش حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ایجاد شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی فارسی زبان، حمایت از اپوزیسیون (سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد با آمریکا به ایران تحت عناوین جهانگرد که در صورت نیاز به جنبش‌های مدنی و نافرمانی بپیوندند)، تسهیل فعالیت‌های ان‌جی‌او‌های آمریکایی در صورت نیاز، دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در سمینارهای کوچک (این افراد باید از سوی مقامات آمریکایی انتخاب شوند نه نهادهای ایرانی)، استفاده از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر و به‌طور کلی تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران از جمله راهکارهای اجرای استراتژی دل‌تا به شمار می‌آیند (www.aei.org/publications).

ویژگی‌های جنگ نرم

جنگ نرم به دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار زیاد و متنوعی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است. در این جنگ، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می‌گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب‌های تفکر و اندیشه دگرگون شده و مدل‌های رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. مدل‌های رفتاری جدید به گونه‌ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختارشکنی جهت می‌یابد.

۲. جنگ نرم آرام، تدریجی و زیرسطحی است. جنگ نرم دفعی، شتابان و پرتحرک در یک مقطع نیست. این جنگ به صورت آرام شروع شده و به صورت تدریجی به سمت جلو حرکت می‌کند. آرام و تدریجی بودن این جنگ به گونه‌ای است که بسیاری آن را تشخیص نمی‌دهند. جنگ نرم زیرسطحی، غیر آشکار و به همین دلیل نامحسوس است.
۳. جنگ نرم نمادساز است. نمادسازی با بهره‌گیری از نمادهای تاریخی و گذشته برای ارائه و نمایش تصویری مطلوب از خود یک ویژگی برجسته از جنگ نرم است. در این جنگ تلاش می‌شود تصویری شکست خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی خود را پیروز و موفق نشان می‌دهد. در این ویژگی عملیات روانی در حد اعلی انجام می‌شود.
۴. جنگ نرم پایدار و بادوام است. نتایج جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و بادوام خواهد بود. هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات است. چنانچه این تغییر حاصل شود، به راحتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نیست. در جنگ نرم و نظامی، یک سرزمین تصرف شده را ظرف چند ساعت، می‌توان باز پس گرفت. اما در جنگ نرم، اگر دشمنان موفق به تصرف افکار و دل‌های جامعه هدف شوند، به راحتی نمی‌توان آن را باز پس گرفت و تغییر مجدد زمان‌بر است.
۵. جنگ نرم پرتحرک و جاذبه‌دار است. جنگ نرم که به صورت تدریجی و آرام شروع می‌شود، در نقطه‌ای به دلیل ایجاد جاذبه‌های کاذب، خود جامعه هدف را برای تحقق اهداف به کار گرفته و از این طریق بر دامنه تحرکات آن افزوده می‌شود. در واقع با گذشت زمان، بسیاری از بازیگران و حتی بازیگردانان جنگ نرم به صورت خواسته یا ناخواسته از درون جامعه هدف به استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در می‌آیند.
۶. جنگ نرم هیجان‌ساز است. با نمادسازی‌ها، اسطوره‌سازی‌ها و خلق ارزش‌های جدید، در جنگ نرم از احساسات جامعه هدف نهایت استفاده صورت می‌گیرد. مدیریت احساسات یک رکن در مهندسی جنگ نرم به حساب می‌آید.
- در مدیریت احساسات، تلاش می‌شود از احساسات و عواطف جامعه هدف به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها برای ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها استفاده شود. احساسات و عواطف به دلیل تحریک‌پذیری، زمینه‌های پیدایش بحران را فراهم می‌سازد.
۷. جنگ نرم آسیب‌محور است. آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط آسیب جامعه هدف در حوزه‌های ذکر شده، فعالیت‌های خود را سامان داده و با ایجاد آسیب‌های جدید، بر دامنه تحرکات خود می‌افزایند.

۸. جنگ نرم چند وجهی است. پردامنه بودن و برخورداری از وجوه مختلف، از دیگر ویژگی‌های جنگ نرم است. در این جنگ، از تمامی علوم، فنون، شیوه‌ها و روش‌های شناخته شده و ارزش‌های موجود استفاده می‌شود.

۹. جنگ نرم تضادآفرین است. جنگ نرم از محیط‌های آسیب‌دار در جامعه هدف شروع می‌شود و با ایجاد گسل‌های متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه در برابر هم قرار می‌دهد. تضادهای به وجود آمده از طریق جنگ نرم، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را برهم می‌زند و زمینه‌های بروز بحران و درگیری‌های داخلی را فراهم می‌سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از پیامدها و ویژگی‌های جنگ نرم است.

۱۰. جنگ نرم تردیدآفرین است. در جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی نسبت به بسیاری از مسائل یک اصل و قاعده است. حرکت در این جنگ با خلق تردید و ایجاد ناامیدی و یأس شروع می‌شود. برای توفیق در این جنگ، با تکیه بر سنت‌ها و لکن با نوپردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می‌شود و به مرور بر دامنه این تردیدها افزوده شده تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش‌ها دست یابد.

۱۱. جنگ نرم از ابزار روز استفاده می‌کند. در جنگ نرم از پیشرفته‌ترین تکنیک‌های روز استفاده می‌شود. فضای مجازی و سایبری محیط اصلی جنگ نرم در شرایط کنونی به حساب می‌آید. این فضا، امکان اغواگری با ایجاد جاذبه‌های گوناگون و خلق بسترهای لازم برای سوار شدن به امواج احساسات را به خوبی فراهم می‌سازد.

اهداف جنگ نرم

در چارچوب مطالعات دفاعی می‌توان اهداف راهبردی جنگ نرم ایالات متحده را در هفت حوزه تنش‌زای زیر طبقه‌بندی و مورد آسیب‌شناسی قرار داد:

۱. **تنش روانی رسانه‌ای:** ایران‌هراسی از طریق انعکاس تصاویر مجازی از توسعه بومی صنعت هسته‌ای و قابلیت‌های آفندی و پدافندی موشکی جمهوری اسلامی ایران و هدفمند شدن جنگ تبلیغاتی با هدف گسترش تنش‌های قومی، فرقه‌ای، صنفی، دانشجویی و اجتماعی.

۲. **تنش اقتصادی:** گسترش هدفمند عمق و دامنه دیپلماسی تحریم در چارچوب شورای امنیت (قطعنامه‌های ۱۷۴۷، ۱۷۳۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵)، تحریم‌های ائتلافی هوشمند و یا فشار سیاسی بر متحدان خود برای اجتناب از انعقاد توافق‌نامه‌های اقتصادی و انرژی با هدف انزوای ایران در معادلات اقتصادی منطقه‌ای.

۳. **تنش نظامی:** گسترش عمق و دامنه مطالعات ادعایی و گنجاندن آن‌ها در گزارش‌های مدیرکل آژانس انرژی اتمی با هدف تداعی شائبه وجود ارتباط میان فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و اهداف نظامی و بالطبع توجیه گسترش تحریم‌های غیرقانونی علیه نهادها،

شرکت‌ها و افراد وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران با هدف تضعیف بازدارندگی بومی کلاسیک و نامتقارن، احتمال بازرسی ناوگان‌های نظامی آمریکا و ناتو از کشتی‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران با هدف نظارت بر حسن اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، برگزاری رزمایش‌های نظامی میان ناتو و برخی کشورهای منطقه و انعقاد توافق‌های امنیتی دوجانبه با کشورهای همسایه ایران مانند عراق، افغانستان، پاکستان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.

۴. **تنش امنیتی:** جلوگیری از عملیاتی‌شدن امنیت بومی و پایدار، حمایت مالی رسانه‌ای از گسترش ناامنی‌های مدنی با بهانه گسترش حقوق بشر و دموکراسی، حمایت از گروهک‌های تروریستی مانند پژاک، منافقین و جندالله با هدف ناامن سازی استان‌های مرزی.

۵. **تنش اطلاعاتی:** تلاش برای نصب سامانه‌های جاسوسی در مرزهای ایران و عراق، رخنه در شبکه‌های استراتژیک نظام توسط نیروهای پوششی، شنود تلفن همراه و یا رخنه در شبکه اینترنتی برخی نهادهای راهبردی.

۶. **تنش سیاسی:** مخدوش جلوه دادن نتایج آرای انتخاباتی، تأخیر در صدور روادید مسافرتی توسط برخی متحدان آمریکا، ایجاد شکاف میان جامعه و حاکمیت، تشویق به حضور حداقلی مردم در رقابت‌های انتخاباتی.

۷. **تنش فرهنگی:** ناتوی فرهنگی^۳ با هدف نهادینه کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی و تضعیف هویت ایرانی اسلامی مانند تغییر نام خلیج فارس و یا ترسیم تصویر خشنی از دین مبین اسلام (رزمجو، ۱۳۸۸: ۲۰).

حوزه‌های چهارده گانه جنگ نرم

مرکز ملی ضدتروریسم آمریکا (NCTC) حوزه‌های جنگ نرم را به صورت ذیل تحت عنوان تهدیدات طبقه‌بندی کرده است:

۱. **فضای مجازی (cyber):** از نگاه آلوین تافلر سومین موج دگرگون‌کننده زندگی بشری پس از موج‌های کشاورزی و صنعتی، موج الکترونیک و دیجیتالیست. این موج به قدری غنی است که تمامی زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. فضای مجازی — فرزند عصر دیجیتال، الکترونیک و اطلاعات — فضایی است که بشر می‌تواند از انجام خریدهای روزمره خود تا انجام فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی نظامی — امنیتی خود را در آن محقق کند. با تأثیرپذیری شیوه زندگی امروزی بشر از چنین مقوله‌ای می‌توان زندگی فردای او را نیز در قالب یک جامعه مجازی تصور کرد.

۲. **رسانه (media):** ارتباطات بشر بر اساس زبان، پیام و مخاطب صورت می‌پذیرد. اساس وسیله ارتباطی بشر که از آن به رسانه یاد می‌شود نیز بر همین مبنا شکل گرفته و دسته‌بندی

می‌شود. مانند روزنامه (رسانه سرد)، تلویزیون (رسانه گرم)، رادیو، تلویزیون و روزنامه (یکسویه)، اینترنت (رسانه دو سویه)، رسانه‌های رو در رو و غیره. نقش حوزه رسانه در منازعه گرم انتقال پیام‌های دلخواه هر یک از طرف‌های منازعه، بسته به طرح و برنامه در نظر گرفته شده از سوی آنان، جهت ساخت افکار مخاطب است. این تنظیم با توجه به جنس، نوع و مضمون پیام، جنس و سطح مخاطب خود را خواهد یافت.

۳. **هنر (art):** درباره هنر در منازعات، به ویژه جنگ نرم، نظرهای متفاوتی بیان شده است. از حذف نقش هنر و هنرمندان تا به قدرت رساندن آن‌ها در مصادر سیاسی، نظیر آنچه با وقوع انقلاب مخملین در جمهوری چک و روی کار آمدن یک نمایشنامه‌نویس (واسلاو هاول) به وقوع پیوست. قدر مسلم آن است که به دلیل کار ویژه هنر یعنی تبدیل یک پیام به «حس» که خود منشأ تولید رفتار است، نمی‌توان نقش آن را در حوزه جنگ نرم نادیده گرفت.

۴. **رفتارشناسی - رفتارسازی (psycho):** گرچه در ترجمه این حوزه به فارسی اختلاف نظرهای بنیادین وجود دارد، اما نقش این حوزه در جنگ نرم، مطالعه عمیق و ویژه در حوزه رفتار آدمی براساس شرایط درونی - محیطی و ساختن رفتار مدنظر فرد مخاطب است. چنانچه بر همین اساس در دانشکده‌های مطالعات امنیت (ملی) رشته‌ای تخصصی تحت عنوان psychological operation که در ایران از آن با نام «عملیات روانی» یاد می‌شود، مورد توجه است و تدریس می‌شود. نقطه ثقل این حوزه بر دو بخش هوش هیجانی و عزت نفس استوار است. در تعریف هوش هیجانی باید گفت این مفهوم به توانایی فرد و افراد در کنترل و مدیریت احساس‌ها و هیجان‌های خود (مهارت‌های زندگی اعم از کنترل خشم، کنترل استرس، تفکر خلاق و نقدانه و...) اطلاق می‌شود. اما در تعریف عزت نفس مؤلفه‌هایی چون خودآگاهی، خودباوری، احترام به آداب و رسوم، سنن، ارزش‌ها و... مصداق خواهد یافت.

۵. **زبان کاربردی (lingo):** زبان مهم‌ترین وسیله ارتباطی است. زبان، راهبردی‌ترین ابزار ارتباط افراد با یکدیگر است. ارتباط با گذشته به وسیله ادبیات (که در واقع بانک ژنتیکی در هر حوزه تمدنی محسوب می‌شود) و ارتباط با آینده به وسیله تولیدات تکوینی ادبیاتی صورت می‌گیرد. به طور مثال در این مقوله می‌توان به قطع ارتباط مردم ترکیه با گذشته خود به ویژه ادبیات، به دلیل لاتینی شدن رسم الخط در دوران زمامداری آتاترک اشاره کرد. زبان مهم‌ترین وسیله برای انتقال مفاهیم، به ویژه مفاهیم اساسی زندگی ساز و علمی است. در این حوزه، دستور زبان نیز همین ویژگی را داراست. در این خصوص می‌توان به تغییر و آنگلوساکسونی شدن کاربرد ضمیر و شناسه‌های دوم شخص مفرد، از شما - که احترام آمیز است و در زبان انگلیسی معادلی ندارد - به تو، در تعاملات که رفتار ساز است اشاره کرد.

۶. **قانون (law):** در این حوزه تنظیمات رفتارهای اجتماعی و نهادهای سیاسی بر اساس قراردادهای اجتماعی (متغیر) شکل گرفته و به دو شیوه نوشته و مصوب پارلمان (فرانسوی) و بر مبنای عرف (آنگلوساکسونی) تنظیم می‌شود.

۷. **سه گانه‌های اطلاعات (i3):** که امروزه به آن «عصر اطلاعات» نیز می‌گویند در حقیقت به کنترل و هدایت اطلاعات چه از لحاظ امنیتی و چه به لحاظ افکار عمومی اطلاق می‌شود که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقوله اطلاعات را با عنایت به مصادیقی چون نوع جمع‌آوری، پردازش و تحلیل، میزان پنهان‌کاری و توجه به مقوله ضداطلاعات و با توجه به تخصصی و کاربردی بودن آن، به سه دسته تقسیم می‌کنند. این سه دسته عبارتند از: اطلاعات کاربردی (information)، اطلاعات تحقیقاتی (investigation) (رک به مبانی و مشخصات FBI آمریکا) و اطلاعات هوشمند (intelligence) (رک به مبانی و مشخصات cia آمریکا) که از آن‌ها با نام سه گانه‌های اطلاعاتی یاد می‌شود.

۸. **ورزش (بر مبنای اصالت لذت و سرگرمی) (sport):** در حوزه ورزش گرچه در ظاهر بنا بر سلامت است، اما مبنای تفریح و سرگرمی بر اساس «اصالت لذت» قرار گرفته است. در این حوزه ورزش از حالت مکمل زندگی خارج شده و به صورت حرفه در می‌آید. مفهوم پهلوانی رنگ باخته و جای آن را قهرمانی، (به هر شیوه و روش برای تأمین منافع و لذت) می‌گیرد. ورزش به دلیل جذابیت‌های هیجانی خود، تبدیل به مرجع هیجانی مخاطب می‌شود.

۹. **گردشگری (tourism):** به عنوان ناقل و تغییردهنده مؤلفه‌های فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱۰. **روابط و معاشرت (etiquette):** در این حوزه به مطالعه و تنظیم معاشرت و تعاملات افراد برای ارتباط موثر توجه می‌شود. اساس این مطالعه و تنظیم، جنسیت (gender) بوده که این روند، تأثیر مستقیم در حوزه رفتار جنسی دارد. این فرایند در حوزه سرمایه اجتماعی استراتژیک نیز زاد و ولد بالا نسبت به پهنه سرزمینی، سلامت پزشکی اعم از جسمی و رفتاری، سلامت اخلاقی اعم از فردی و اجتماعی و داشتن روحیه ایثار و مسئولیت‌پذیری تأثیر مستقیم و مؤثری دارد.

۱۱. **آموزش (education):** اگر شیوه و مبنای آموزش به آینده‌سازان یک کشور (کودکان، نوجوانان و جوانان) براساس ساختار و شیوه‌های بیگانه فارغ از در نظر گرفتن مفاهیم و مؤلفه‌های راهبردی و کاربردی بومی جهت انتقال به نسل‌های آینده صورت گیرد، گسیختگی نسلی فرهنگی تنها نتیجه آن خواهد بود.

۱۲. **شیوه سیاست‌گذاری و اداره (polity):** چنانچه اتخاذ تدبیر و سیاست‌گذاری با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و فرهنگ‌ساز ملی باشد، شیوه اداره نیز بومی خواهد بود و نتیجه

منطقی آن مستحکم‌تر شدن مبانی فرهنگ ملی و بومی است. در غیر این صورت فرهنگ یک کشور محکوم به گسیختگی و بیگانه شدن با مردم و آیندگان خواهد شد.

۱۳. شیطان‌پرستی (satanism): پس از عالم حس (الطبیعه) و عالم ذهن (مابعدالطبیعه) اکنون عالم غیب (ماوراءالطبیعه) و به تبع آن در فرایندهای مدرنیسم، ترنس مدرن موضوعیت دارد. خروجی این ترنس مدرن، سیطنیسم (شیطان‌پرستی) به عنوان یک قدرت غیبی است؛ قدرتی که دست انسان را برای رسیدن به هر لذت و منفعتی به هر شیوه و روشی باز می‌گذارد.

۱۴. علم و علم‌گرایی (science): این حوزه به‌طور ویژه محل ابتلای خواص و نخبگان است. می‌توان از این حوزه به نقطه ثقل سیزده حوزه دیگر اشاره کرد. زمانی که با مفاهیم فرهنگ منازعه دست به کار علمی (به ویژه در علوم انسانی) می‌زنیم، مانند آن است که فرهنگ منازعه در زمین خودمان، مارا تحت کنترل خود قرار می‌دهد. در این وضعیت نخبگان دچار از خود بیگانگی شده و تحت‌تأثیر مفاهیم بیگانه به تخریب مفاهیم بومی و دگرگونی فرهنگ ملی می‌پردازند. شاید از همین رو رهبر معظم انقلاب حتی در همین ایام با تأکید به جنبش نرم‌افزاری و تولید مفاهیم، نقطه قانونی دهه چهارم نظام جمهوری اسلامی ایران را دهه «نهضت تولید علم» می‌دانند (کلیدری، ۱۳۸۸: ۵).

جنگ نرم و سخت در تاریخچه سی‌ساله جمهوری اسلامی

تاریخ سی ساله انقلاب اسلامی اگر چه کوتاه است اما درگیر انواع جنگ‌ها بوده است. جبهه معارض انقلاب اسلامی در اولین اقدامات با جنگ سخت به مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت.

الف. جنگ سخت در تاریخ سی‌ساله

انواع مختلفی از جنگ سخت را در انقلاب اسلامی شاهد بوده‌ایم که در ذیل به برخی از رئوس اصلی آن اشاره می‌کنیم:

۱. مبارزه مسلحانه: در ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی شاهد مبارزه‌های منافقین، چریک‌های فدایی و حزب توده هستیم.

۲. ترور: ترورهای فرجام‌دار و کور در دهه اول انقلاب بسیار پررنگ بوده است. انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت شهید بهشتی و هفتادودو تن از یاران وی و ترور نافرجام مقام معظم رهبری، و... همچنین به شهادت رساندن شهید مطهری، شهدای محراب، شهید رجایی و باهنر و ترورهای کور دیگر از جمله اقدامات تروریستی در اوایل دهه شصت است.

۳. **کودتا:** یکی از اقدامات کودتا با همدستی قطب زاده، شریعتمداری و برخی نظامیان بود که قصد بمباران جماران و بسیاری از مراکز سیاسی و نظامی را داشتند که کشف و خنثی شد. لذا کودتای نوژه و کودتای بیست و هشت مرداد را می‌توان از گونه جنگ سخت در نظر گرفت.

۴. **تجاوز نظامی:** ماجرای صحرای طبس، ساقط کردن هواپیمای مسافربری، غرق کردن ناوچه پیکان و حمله به اسکله‌های نفتی در زمره این نوع جنگ سخت محسوب می‌شوند.

۵. **جنگ تحمیلی:** تجاوز رژیم بعث عراق در سی شهریور ۱۳۶۰ و آغاز حمله نظامی با پشتوانه دولت‌های آمریکا و اروپا و برخی دولت‌های عربی به مدت هشت سال به جمهوری اسلامی انجام شد. در طول جنگ تحمیلی و حتی در عملیات نهایی، همکاری جریان ضدانقلاب را شاهد هستیم؛ به نحوی که در عملیات مرصاد اوج این همکاری علیه جمهوری اسلامی رقم خورد (محمدتهرانی، ۱۳۸۸: ۳).

ب. جنگ نرم در تاریخ ۳۰ ساله

مهم‌ترین حوزه عملکردی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی را در دو بُعد سیاسی و فرهنگی شاهد هستیم که به صورت مختصر توضیح داده خواهد شد.

در بُعد سیاسی جنگ نرم، مهم‌ترین کار ویژه جنگ نرم، ناکارآمد جلوه دادن نظام حکومت دینی و ولایت فقیه است. از این رو بیشترین هجمه از سوی جبهه معارض انقلاب اسلامی به ارکان وابسته به ولایت فقیه و رهبری نظام است؛ مانند شورای نگهبان، قوای مسلح، صداوسیما و در نهایت مجلس خبرگان رهبری. لذا می‌توان موارد ذیل به صورت خلاصه ذکر کرد:

۱. **ایجاد بدبینی به نظام:** از جمله تاکتیک‌های این راهبرد، ترویج سکولاریسم و گسترش فرهنگ جدایی دین از سیاست است.

۲. **سیاه‌نمایی:** از تاکتیک‌های این راهبرد، ترویج روحیه یأس و بحرانی نشان دادن شرایط کشور است.

۳. **فقدان کارایی دولت:** پر رنگ کردن ضعف‌ها و بی‌ارزش کردن خدمات، دولت عصاره این تاکتیک‌هاست.

۴. **تشدید اختلافات داخلی:** چاپ کاریکاتورهای موهن از قومیت‌ها و تمرکز بر موارد اختلافی بین اقوام گُرد، بلوچ، عرب، تُرک و سایر اقوامی که هویت ایرانی دارند، از تاکتیک‌های این راهبرد است.

۵. **نافرمانی مدنی:** تلاش‌های مختلف جهت ایجاد تحصن در سطوح مختلف اجتماعی و عدم همکاری در اداره کشور و ایجاد موانع تحدیدکننده از موارد این راهبرد تلقی می‌شوند.

۶. **نخبه‌سازی مصنوعی:** شخصیت‌سازی به منظور جایگزینی پس از انقلاب مخملی در ارکان حکومت و استفاده از آنان در جریان‌سازی‌های مختلف اجتماعی از تاکتیک‌های این راهبرد است.

۷. **کمرنگ کردن آرمان‌ها و اهداف امام خمینی (ره):** تأسیس انقلاب اسلامی برای رسیدن به ایدئال‌هایی بود که در یک کلام پیوند دین و دنیای انسان بود که این آرمان در کلام و پیام‌های رهبران انقلاب ظهور دارد. در سال‌های اخیر شاهد پیام‌هایی هستیم که می‌گویند خمینی دیگر وجود ندارد و آنچه هست برداشت ما از سخنان اوست (همان).

در بُعد فرهنگی جنگ نرم، کار ویژه جبهه معارض انقلاب اسلامی فراهم آوردن فضای تساهل و تسامح در کشور است که این نوع جنگ به تدریج و آرام به دنبال اصلی‌ترین کارکرد جمهوری اسلامی که همان پیوند دین و دنیا بود رفته و به دنبال ناکارآمد نشان دادن چنین پیوندی است. راهبردهایی که در بُعد فرهنگی جنگ نرم مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از:

۱. **چهره‌سازی:** چهره‌سازی از عناصر ضد ارزشی و موج‌آفرینی و جریان‌سازی از طریق این چهره‌ها بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. **اشاعه فساد:** جهت تقویت و دامن زدن به تساهل و تسامح اجتماعی از ماهواره، بلوتوث، اس‌ام‌اس، فیلم، موزیک و مد استفاده شده است.

۳. **قداست زدایی:** ایجاد شبهه نظری نسبت به عصمت ائمه (ع) و عدم حیانت قرآن کریم و زمینی جلوه دادن چنین ارکان هویتی از جمله تاکتیک‌های این راهبرد است.

۴. **عرفان‌های کاذب:** ترویج صوفی‌گری، عرفان‌های هند و چین، انرژی درمانی و جریان‌های معنویت بدون دین از تاکتیک‌های این راهبرد هستند.

۵. **گفتمان‌سازی رسانه‌ای:** جایگزینی فرهنگ غربی به جای ارزش‌های دینی و ملی به ویژه در سبک زندگی و تشویق به دیدن رسانه‌های بیگانه از جمله تاکتیک‌های این راهبرد است.

۶. **توسعه شبکه‌های اجتماعی:** انواع شبکه‌های رسانه‌ای اجتماعی از قبیل وبلاگ‌ها، میکرو بلاگ‌ها (توییتر، فرندفیدز)، شبکه‌های دوست‌یابی (اورکات)، شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک، مای‌اسپیس، کلوب، گوگل‌ویو)، لینک‌دونی‌های عمومی (بالا ترین، دیگ)، ویکی‌ها، سایت‌های به اشتراک‌گذاری (فلیکر، یوتیوب، کلام)، پیام‌رسان‌ها، فروم‌ها، گروه‌های ایمیلی، خبرخوان‌ها (نیوزپارسیک، گوگل‌ریدر) و پادکست‌ها در سال‌های اخیر یکی از راه‌های شبکه‌سازی از پایین سطح اجتماع بوده که در فراز و فرودهای سیاسی و اجتماعی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است (همان: ۱۰).

استراتژی شبکه سازی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی

مهم‌ترین حوزه عملکردی جنگ نرم در جنگ رسانه‌ای خلاصه می‌شود. بنیادی‌ترین تعریف از جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منابع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های بین‌المللی جدید است (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۳: ۱۱). اگرچه جنگ رسانه‌ای عمدتاً به هنگام جنگ‌های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند، اما این به آن مفهوم نیست که در سایر مواقع جنگ رسانه‌ای در جریان نبوده و یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه دارد و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره‌برداری می‌کند. جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام سیاست رسانه‌ای یک کشور نهفته است که به‌طور مستقیم توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود (Robin, 2006: 5).

سربازان جنگ رسانه‌ای متخصصان تبلیغات، استراتژیست‌های تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. پیچیدگی‌های ابعاد مختلف جنگ رسانه‌ای موجب شده تا تصمیم‌گیری درباره‌ی طراحی، تدوین استراتژی، چارچوب‌ها، تکنیک‌های کاربردی، نحوه‌ی عملیاتی کردن اهداف و مأموریت‌های تعریف شده، استفاده از حداکثر توان هر رسانه با توجه به امکانات انتشار مکتوب، چاپی، صوتی، تصویری، چندرسانه‌ای، اینترنت و سرانجام انتشار آنلاین، تنها به ژنرال‌های نظامی واگذار نشود بلکه جنگ رسانه‌ای مقوله‌ای است که همکاری هماهنگ و نزدیک بخش‌های نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی یک کشور را می‌طلبد. طراحان جنگ رسانه‌ای نه لزوماً ژنرال‌های پادگان‌نشین، بلکه ممکن است پروفیسورهای کالج‌ها و دپارتمان‌های رسانه‌ای در دانشگاه‌های معتبر هر کشور باشند. جنگ رسانه‌ای برخلاف جنگ‌های نظامی که عمدتاً میان دو یا چند کشور به عنوان ائتلاف با یک کشور جریان می‌یابد، می‌تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی‌های مشخص جریان یابد. جنگ رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه‌ای غرب علیه کشورهای جهان سوم، دو نمونه‌ی بارز از موضوعی هستند که می‌توانیم آن را به «جنگ جهانی رسانه‌ای» تعبیر کنیم (Kagan, 2006: 7). بهره‌برداری چندمنظوره از فناوری جدید ارتباطاتی یکی دیگر از شیوه‌های جنگ رسانه‌ای علیه ایران است. از سویی شبکه‌ی تلویزیون ماهواره‌ای مخصوص کامپیوتر و اینترنت راه اندازی می‌کنند و از سوی دیگر با استفاده از

اینترنت، سایت‌ها و وبلاگ‌ها، به تشریح روش استفاده از آنتن‌ها و رسیورهای ماهواره‌ای و نحوه عبور از پارازیت‌ها می‌پردازند.

شبکه‌سازی، گزینه جدید آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است. فعالیت‌های شبکه‌سازی جنگ سرد ایالات متحده و بریتانیا، امروزه برای نبرد با اسلام و حکومت‌های اسلامی خصوصاً ایران به کار برده می‌شود (www.tebyan.net).

در سطح استراتژیک، ایالات متحده در آغاز جنگ سرد دریافت که شبکه‌سازی باید بخشی حیاتی از استراتژی همه‌جانبه آن باشد. بنابراین منابع زیادی را برای تأمین مالی مجموعه‌ای از سازمان‌هایی که می‌توانستند با سازمان‌های کمونیستی در اروپای غربی و جهان سوم رقابت کنند، اختصاص داد. سیاستگذاران همچنین دریافتند که تلاش‌های آنان در راستای شبکه‌سازی تنها در صورتی موفق خواهد بود که یک استراتژی خوب و منسجم با همه آژانس‌ها و برنامه‌های سیاسی آمریکا پیوند خورده باشد.

این استراتژی هرچند تا حد زیادی دفاعی بود، ولی از عنصری تهاجمی نیز برخوردار بود. این بدان معنی بود که اگرچه بخش بزرگی از این کوشش در راستای تلاش برای ایجاد ثبات و تقویت نیروهای دموکراتیک در اروپای غربی صورت می‌گرفت (و بعدها در آسیا و خاورمیانه)، ولی همچنین تلاش‌هایی برای تضعیف حاکمیت کمونیستی در بلوک شوروی از طریق جنگ سیاسی و اطلاعاتی نیز وجود داشت. امروزه نیز، آمریکا این استراتژی را در قالب پروژه «ترویج دموکراسی» انجام می‌دهد؛ به گونه‌ای که کارشناسان آمریکایی معتقدند تلاش‌های آمریکا برای جذب مردمان اروپای شرقی و اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد می‌تواند مدلی برای مقابله با ایران امروزی باشد (www.brookings.edu).

البته آمریکا برای اجرای این استراتژی با مشکلات زیادی روبه‌روست. یکی از مشکلات کلیدی پیش‌روی ایالات متحده در حال حاضر عبارت از چگونگی حفظ اعتبار گروه‌هایی است که از آمریکا یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی کمک دریافت می‌کنند. به همین منظور این کشور برای مقابله با این مشکل سعی دارد تا با تشویق سازمان‌های غیردولتی برای گسترش فعالیت‌های خود در جهان اسلام، بخش‌های عمومی و خصوصی را به یکدیگر مرتبط ساخته و نقش خود را به ارائه کمک‌های مالی و عملیاتی به این گروه‌ها محدود کند. نکته مهم در این زمینه این است که امروزه، گروه‌ها و اشخاص در ایالات متحده و اروپا در قالب طرح ترویج دموکراسی و اسلام‌اروپایی در حال سازماندهی خود برای مبارزه با اسلام هستند.

در برخی موارد، ممکن است دولت ایالات متحده مجبور به اتخاذ نقشی فعال‌تر در شکل‌دهی به شبکه‌ها باشد. کنگره آزادی فرهنگی در دوران جنگ سرد که مثالی بسیار موفق به حساب می‌آمد، می‌تواند نمونه خوبی از چگونگی متحدساختن گروه‌های پراکنده و شخصیت‌های همفکر در یک شبکه بین‌المللی قدرتمند با حمایت مالی و سازمان‌دهی محدود ایالات متحده باشد. امروزه هدف آمریکا از این اقدام عبارت از ایجاد سازمانی دائمی و

چندملیتی است که بتواند در نقش یک سکوی فکری برای ترویج دموکراسی امریکایی در جهان اسلام خدمت کند (www.aei.org).

ایالات متحده برای موفقیت سیاست شبکه‌سازی (که سیاستی نامتقارن و انتخابی است) خود که امروزه برای مقابله با حکومت‌های اسلامی خصوصاً دولت جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است، بر این گروه‌ها تمرکز دارد:

۱. شخصیت‌های دانشگاهی و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار؛
۲. صاحب‌نظران مذهبی جوان و میانه‌رو؛
۳. فعالان اجتماعی؛
۴. گروه‌های زنان فعال در مبارزات برابری جنسیتی؛ و
۵. روزنامه‌گاران و نویسندگان میانه‌رو.

بر همین اساس آمریکا استراتژی شبکه‌سازی خود را بر این اصول قرار داده است:

۱. آموزش دمکراتیک؛ در این زمینه این کشور تلاش دارد تا با به چالش کشیدن مفاهیم اسلامی به وسیله‌ارزش‌های دمکراتیک غربی، اسلام را مطابق برداشت خود باز تعریف کند.
۲. رسانه‌ها؛ حمایت از رسانه‌های طرفدار غرب برای مبارزه با سلطه رسانه‌های عناصر مسلمان بسیار مهم است.

۳. برابری جنسیتی؛ مسئله حقوق زنان موضوعی مهم در شبکه‌سازی است. ترویج برابری جنسیتی باید بخشی ضروری از این پروژه برای توانمند ساختن مسلمانان طرفدار غرب باشد.

۴. هواداری سیاسی؛ اسلام‌گرایان دارای برنامه‌های سیاسی هستند و به همین جهت اسلام‌گرایان سکولار نیز باید وارد فعالیت سیاسی شوند. در این زمینه فعالیت‌های حمایتی در راستای شکل‌دهی به محیط سیاسی و حقوقی جهان اسلام مهم است. بر این مبنای دنبال تمرکز بر نیروهای داخلی برای کاهش مشروعیت رهبران فعلی نظام و زمینه‌سازی برای تغییر حاکمیت هستند.

۵. قومیت‌گرایی؛ تلاش در راستای حمایت از قومیت‌ها با هدف تضعیف وحدت ملی و ایجاد روند تجزیه‌طلبی در داخل کشور. (نائینی، ۱۳۸۷: ۸۹).

سیاست‌گذاری جبهه انقلاب اسلامی در مواجهه با جنگ نرم

گزاره‌های سیاستی مقابله با جنگ نرم، پس از مسئله‌شناسی و تعمیق در مواضع جبهه معارض انقلاب اسلامی استخراج می‌شود. گزاره‌های سیاستی به دو دسته سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های رسانه‌ای تقسیم می‌شود که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف. سیاست‌های کلان مقابله با جنگ نرم

سیاست‌های کلان مقابله به دو دسته سیاست‌های سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود. سیاست‌های سلبی به آن دسته از سیاست‌ها گفته می‌شود که نقش تحدیدکننده دارد و سیاست‌های ایجابی به سیاست‌های تثبیت‌کننده و تقویت‌کننده گفته می‌شود.

۱. ولایت‌پذیری عملی و تئوری‌پردازی نظری ساختار مردم‌سالاری دینی: بحث

ولایت‌پذیری و دفاع از حریم ولایت از دو منظر قابل تأمل است. اول آنکه تحلیل مجموعه اقدامات انجام گرفته برای براندازی نرم- جنگ نرم- در ایران نشان می‌دهد که طراحان جنگ نرم علیه ایران به علت جایگاه ولایت فقیه در اعتقادات جامعه ایران و میزان تاثیرگذاری‌اش و همچنین به عنوان مهم‌ترین عامل در پیشگیری از براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی آن هم با وجود گذشت قریب به سه دهه از عمر انقلاب ایران، بیشترین طراحی را برای مشروعیت‌زدایی و مخصوصاً اعتبارزدایی از جایگاه ولایت فقیه در دستور کار خود قرار داده‌اند. دوم آنکه ولایت فقیه به عنوان یک فقیه عالم و با تقوا و عادل‌ترین و آگاه‌ترین فرد به مسائل سیاسی و حکومتی قطعاً شایسته‌ترین فرد برای اطاعت‌پذیری نیز خواهد بود. در چند ماه اخیر در حوادث بعد از انتخابات یک‌بار دیگر نقش رهبری و جایگاه آن برای حفظ نظام به خوبی برای دوست و دشمن آشکار شد، آن هم در شرایطی که شاید بسیاری از اهداف برای تحقق انقلاب مخملین در ایران اتفاق افتاده بود و یا شرایط مهیا شده بود. رهبری به عنوان فصل الخطاب و همچنین به عنوان مهم‌ترین رکن جامعه ایران برای حفظ و انسجام ملی و اسلامی سبب شد که کشور از فتنه بزرگ به سلامت عبور کند. وجود ولایت فقیه به عنوان بزرگ‌ترین عامل در جلوگیری از به وجود آمدن انقلاب مخملی در ایران نشان داد که تفاوت ایران با گرجستان، اوکراین و حتی کشور قدرتمندی همچون شوروی سابق در وجود جایگاه ولایت فقیه در ساختار حکومتی و سیاسی و مذهبی است. لذا ولایت‌پذیری عملی و تئوری‌پردازی نظری از ولایت فقیه و ساختار مردم‌سالاری دینی از اهم سیاست‌های کلان مواجهه با جنگ نرم است.

۲. حفظ هویت با تمرکز بر سبک زندگی ایرانی- اسلامی: اساس جنگ نرم برای

تحت تأثیر قرار دادن باورهای فرهنگی و اعتقادی جامعه هدف است. لذا ضروری‌ست برای مقابله با جنگ نرم، حفظ و عمق‌بخشی به هویت ایرانی و اسلامی جزو اولین و شاخص‌ترین برنامه‌ها در مقابله با جنگ نرم باشد. آنان به دنبال این هستند که با ترویج فرهنگ سکولار، هویت اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و آن را از درون به لحاظ محتوایی متلاشی کنند و اسلامی باقی بماند که در ادبیات سیاسی کشورمان به «اسلام آمریکایی» معروف شده است. استکبار جهانی به‌ویژه آمریکایی‌ها به وسیله رسانه‌های وابسته‌شان در تلاش بوده‌اند الگوی‌های شخصیتی جدیدی در بافت سبک زندگی جدید به جوانان ایران

معرفی کنند. آنان در این میان سعی دارند بسیاری از ارزش‌های فرهنگ آمریکایی را به ایرانیان القا کنند. بنابراین بهترین راه برای مقابله با این جریان‌ها، حفظ و عمق‌بخشی هرچه بیشتر و توجه به هویت ایرانی - اسلامی و تدوین و ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی است.

۳. مقابله رسانه‌ای با اولویت‌دادن به سواد رسانه‌ای: مهارت‌های مقابله با جنگ رسانه‌ای^۴

به بالا بردن ظرفیت تحلیل مخاطب در مواجهه با رسانه گفته می‌شود. اگر مردم از سواد رسانه‌ای کافی برخوردار نباشند، قطعاً نخواهند توانست در فضای سنگین رسانه‌ای این روزها، مسائل و وقایع را به درستی تحلیل کنند.

۴. امیدآفرینی هوشمندانه و منطقی: از مهم‌ترین اهداف جنگ نرم در کشورهای هدف،

ایجاد روحیه رخوت، ناامیدی و بی‌نشاطی در آن جامعه است. نگاه امیدوارانه و خوشبینانه به آینده باعث تقویت جبهه انقلاب اسلامی در مقابل جنگ نرم دشمنان خواهد شد. پیشرفت‌طلبی در سایه روحیه امیدواری به آینده ایجاد می‌شود. لذا توجه دادن سطوح مختلف اجتماعی به آینده انقلاب اسلامی یکی از سیاست‌های ایجابی در مواجهه با جنگ نرم است.

۵. اثبات کارآمدی نظام اسلامی و اطلاع‌رسانی مناسب درباره خدمات انجام شده:

مقابله با مجموع اقدامات مغرضانه برای نشان دادن عدم کارآمدی و مشروعیت دولت منتخب، یکی دیگر از مواردی است که در طراحی‌ها برای انقلاب مخملی در ایران در نظر گرفته شده است. اقدامات تخریبی برای نشان دادن عدم کارآمدی و مشروعیت و اعتبار دولت خواهد بود و باید چنین گفت مشروعیت‌زدایی و نشان دادن ناکارآمدی دو محور عمده پیش‌روی طراحان جنگ نرم در ایران است. لذا اطلاع‌رسانی پیرامون خدمات عمومی به عنوان اقدام پیشگیرانه و نشانگر اثبات کارآمدی و همچنین جلوگیری از بسترهای زمینه‌ساز باید در اولویت‌های سیاست‌های ایجابی و اثباتی باشد.

۶. مقابله با شکاف‌های قومی و مذهبی: تشدید اختلافات قومی و مذهبی از راهکارهای

اصلی برای جنگ نرم است. به‌طوری که در تحقق جنگ نرم بحث تشدید اختلافات قومی و مذهبی همیشه در رئوس اجرای برنامه‌ها بوده است. در همین زمینه تقویت فرقه‌های ضاله نیز مورد توجه خاص طراحان جنگ روانی بوده است. تقویت وهابیون و همچنین حمایت‌های جدی از بهاییان در ایران از جمله این برنامه‌ها است. حتی ساختن مراجع قلابی و علمایی التقاطی از دیگر روش‌هاست. رسانه‌ها باید محوریت گفتمان ملی و دینی را در تمامی تولیدات فرهنگی و هنری مد نظر قرار دهند. توسعه مناطق محروم و حاشیه‌ای، در ابعاد مختلف از بین بردن ظرفیت‌های واگرایی و زمینه‌های اعتراض اجتماعی مانند فقر، ناامنی، تورم، بیکاری، ترافیک و... را موجب خواهد شد.

۷. **برخورد منطقی با سازمان‌های مردم نهاد (سمن):** پرهیز از تهدیدانگاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی و گسترش آزادی‌های مدنی در چارچوب قانون اساسی همراه با هوشیاری لازم جهت اجتناب از تهدیدات احتمالی این نهادها در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی. البته نظارت بر سازمان‌های مردم نهاد (سمن) و موضوع فعالیت آنان و به ویژه درآمدها و کمک‌های مالی به آنان باید به دقت مورد توجه باشد.

۸. **همسان کردن ظرفیت‌ها و ساختارهای سازمان‌های امنیتی کشور با ماهیت**

تهدیدات نرم: یکی از عمده‌ترین شکاف میان نهادهای امنیتی و سیاسی اجرایی کشور را می‌توان در نداشتن چشم‌انداز و نیز ظرفیت‌های اجرایی و فکری در خصوص مقابله با جنگ نرم دانست که نیازمند تعریف فعالیت جدید و هوشمندی محیطی بالاست.

۹. **تشکیل اتاق‌های فکر و جذب نخبگان:** فراهم آوردن زمینه عضویت نخبگان در نهادهای دولتی و سیاسی با هدف جلوگیری از جذب آنان در جبهه مخالف و معارض جمهوری اسلامی از جمله مهم‌ترین نکات است. همچنین ارزیابی تهدیدات و راهکارهای مقابله با جنگ نرم در حوزه‌های مختلف باید مورد تأکید قرار گیرد.

۱۰. **ایجاد شبکه‌های قوی اجتماعی بومی:** ایجاد شبکه‌های قوی اجتماعی حول محورهای فرهنگی، هنری، اجتماعی و... با محوریت مساجد، امامزاده‌ها، کانون‌های فرهنگی - هنری، مساجد، فرهنگسراها و... برای مثال با ایجاد حلقه‌های مطالعه و تشکیل گروه‌های مطالعه کتاب به خصوص در حوزه کتب تاریخی ایران و جهان، می‌توان نسل جدید را با روندهای سیاست در ابعاد ملی و بین‌المللی در دوران گذشته آشنا ساخته و بین نسل‌های مختلف انقلاب اسلامی پیوند برقرار کند.

۱۱. **حمایت تقنینی، نظارتی و اجرایی از توسعه زیرساخت‌های جنگ رایانه‌ای: یکی**

از تهدیدات راهبردی نرم‌افزارگرایی، نفوذ هکرهای مهاجم برای آسیب‌رسانی به شبکه‌های وب نهادهای استراتژیک نظام با هدف جاسوسی اینترنتی (cyber espionage) و یا رخنه اطلاعات گمراه‌کننده با هدف تخریب شبکه اطلاعات ملی است که عمق و دامنه کاربری آن در سطوح منطقه‌ای و جهانی روز به روز در حال افزایش است. برای آگاهی متولیان امر نسبت به اهمیت روزافزون جنگ‌های رایانه‌ای، شایسته است به عنوان مثال اشاره شود کشوری مانند چین با هدف توازن راهبردی قدرت نرم، سرمایه‌گذاری هنگفتی را برای توسعه جنگ‌های رایانه‌ای مدنظر قرار داده است؛ به‌طوری که موفق شده است به سیستم‌های کامپیوتری نهادهای نظامی امنیتی ایالات متحده نفوذ کند. این کشور در سال ۲۰۰۷ نزدیک به ده شرکت دفاعی آمریکا مانند بوئینگ، نورتروپ گرومن، مارتین لاکهید، ریتون، سیستم نرم‌افزاری برنامه‌ریزی جنگنده‌های نیروی هوایی، سیستم برنامه‌ریزی مأموریت بالگردهای ارتش، و فایل‌های فضانوردان ناسا را مورد دستبرد اینترنتی قرار داد

(Matthews, 2008) و در بودجه دفاعی سالانه خود، ردیف‌هایی را برای تقویت هر چه بیشتر قابلیت‌های جنگ رایانه‌ای (Cyber Warfare Capabilities) اختصاص داده است. در این راستا شایسته است وزارتخانه‌های دفاع و اطلاعات و ستاد کل نیروهای مسلح با تبیین آموزش‌های راهبردی، بستر مقابله هدفمند با آسیب‌های جنگ رایانه‌ای و تقویت عمق استراتژیک نظام در محیط سایبر را فراهم کنند.

۱۲. قانونمند کردن مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه: یکی از حوزه‌هایی که عمق و

دامنه تهدیدات نرم را گسترش می‌دهد، رشد فزاینده جرایمی است که در محیط‌های مجازی و سایبر به وقوع می‌پیوندد و به صورت مستقیم امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. شایسته است ظرفیت‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی بازدارنده و مناسبی برای مهار آن‌ها در دستور کار متولیان امر قرار گیرد. برخی مصادیق جرایم سایبر که در زیرمجموعه هدیدات نرم‌افزاری قرار می‌گیرد، عبارتند از: افزایش نشر بلوتوث‌های شخصی و خانوادگی به‌ویژه افراد مشهور در حوزه‌های ورزشی و هنری، افزایش انتشار بلوتوث‌های مستهجن و غیراخلاقی، گسترش شایعات براندازانه و یا تبلیغ علیه نظام توسط پیام‌های کوتاه تلفن همراه، گسترش وبلاگ‌های براندازانه، وبلاگ‌های ساختارشکن و برانداز که معمولاً به سادگی ایجاد شده و نیاز به تخصص بالای بلاگرها ندارد. به راحتی در محیط‌های مجازی به یک هویت مستقل تبدیل و بدون اینکه شناسایی شوند به ترویج عقاید براندازانه اقدام می‌کنند. در این راستا افزایش تعامل و هم‌اندیشی میان کارشناسان وزارتخانه‌های اطلاعات، فناوری ارتباطات، قوه قضائیه، قوه مقننه و پلیس امنیت اجتماعی و اخلاقی ناجا و یا معاونت فرهنگی اجتماعی ناجا می‌تواند در ارتقاء اثربخشی راهکارهای بازدارنده و یا اقدام‌های تنبیهی مفید واقع شود. حمایت تقنینی و مالی از تعمیق قدرت نرم نظام در محیط‌های مجازی یکی از شاخصه‌های جنگ اندیشه در محیط‌های مجازی است و کشوری موفق خواهد بود که بتواند زمینه‌های حداکثر بهره‌وری از محیط‌های وب با جدیدترین شیوه‌های دانش دیپلماسی عمومی را فراهم کند. زیرا دانش‌افزایی و هوشمندسازی آنلاین جامعه در برابر تهدیدات نرم، آستانه مقاومت ملی و کارآمدی نظام در محیط‌های مجازی را ارتقا می‌دهد.

۱۳. طراحی و تدوین نظام جامع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: یکی از

راهکارهای تکلیف‌گرایی کارگزاران نظام به رهنمودهای رهبری انقلاب پیرامون هوشیاری مسئولان در برابر تهاجم نرم‌افزاری ناتوی فرهنگی؛ قانونمند کردن نظام جامع دیپلماسی فرهنگی با هم‌اندیشی وزارت امور خارجه، مجلس شورای اسلامی و متولیان فرهنگی است که در صورت تحقق می‌تواند حداکثر بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌ها و بالطبع عمق استراتژیک نرم‌افزاری نظام را توسعه دهد که برخی مصادیق آن عبارتند از: نظام‌مند شدن کار ویژه

دیپلمات فرهنگی از رویکرد که امنیت ملی وابسته‌های فرهنگی سفارتخانه‌ها و دفاتر فرهنگی ایران در کشورهای خارجی؛ نقش مهمی را در عمق بخشی به اقتدار برون سیستمی و مهار تهدیدات نرم ایفا می‌کند هوشیارسازی متولیان فرهنگی نظام نسبت به ابزارها و شیوه‌های تهاجم نرم‌افزاری غرب. انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی به‌ویژه سازمان منافقین در قالب عکس، تصویر، توزیع سی‌دی، بروشور و یا کتاب که در صورت سازماندهی مناسب می‌تواند در تقویت تعامل میان گروه‌های دوستی پارلمانی ج.ا.ایران و کشورهای میزبان برای افزایش فشار بر گروه‌های تروریستی مؤثر باشد، تدوین سازوکارهای تقنینی و اجرایی مناسب برای افزایش تعامل میان نهادهای داخلی و شورای ایرانیان خارج از کشور. آشنا کردن ایرانیان و اتباع کشور میزبان با نقش مثبت و تأثیرگذار دولت و مجلس شورای اسلامی در حوزه سازندگی و جنبش نرم‌افزاری تولید علم که در صورت بهره‌گیری از شیوه‌های تبلیغاتی مناسب می‌تواند تصاویر مناسبی را از اقتدار و رابطه سازنده دولت و مجلس در افکار اتباع کشور میزبان تداعی کند و بخشی از سناریوی جنگ روانی رسانه‌ای غرب برای ترسیم فضای اختلاف در داخل را خنثی سازد، توسعه صنعت توریسم و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی که در پرتو رایزنی‌های فرهنگی و آشنا کردن اتباع خارجی با امکان سیاحتی و زیارتی در قالب نمایش عکس، فیلم و یا توزیع بروشور، نقش مهمی را در علاقه‌مندی جهانگردان برای سفر به جمهوری اسلامی ایران برعهده دارند به این ترتیب که با مشاهده توسعه اقتصادی و سیاسی به‌رغم تحریم‌های آمریکا، می‌توانند به صورت ناخودآگاه نقش سفیر جمهوری اسلامی ایران را در کشورشان بازی کرده و بالتبع به‌صورت غیرمستقیم بر تقویت قدرت نرم نظام در خارج از کشور کمک کنند.

۱۴. تقویت قدرت نرم نیروهای مسلح: حمایت‌های تقنینی و اجرایی از توسعه قدرت نرم سازمان مقاومت بسیج، تأکید بر آینده‌پژوهی، مدیریت دانش دفاعی و افزایش تعامل میان مخازن تولید فکر با متولیان نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی با هدف تقویت جنبش نرم‌افزاری تولید علم، ایجاد و تقویت سازمان آینده‌پژوهی و فناوری‌های نوین در ساختار نیروهای مسلح، دانش‌افزایی و توسعه فنی و حرفه‌ای نخبگان نیروهای مسلح در چارچوب اصل تحقیق و توسعه، تحکیم بنیان‌های فرهنگی، عقیدتی و سیاسی نیروی انسانی.

۱۵. آینده‌نگاری ماهوی تهدیدهای فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران: امنیت به معنای فقدان تهدید در عمق استراتژیک داخلی و خارجی است و متولیان نهادهای نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی شایسته است در گام اول نسبت به شاخص‌گذاری، توصیف و طبقه‌بندی تهدیدهای فراروی نظام اقدام کنند تا حداکثر بهره‌وری از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل منابع قدرت حاصل شود (www.snn.ir/newscontent.aspx?newsID=110380).

ب. سیاست‌های رسانه‌ای خُرد در مواجهه با جنگ نرم

برخی از سیاست‌ها که باید در تمامی رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری و همچنین رسانه‌های دیجیتال مدنظر برنامه‌ریزان و طراحان قرار گیرد در ادامه می‌آید:

۱. اطلاع‌رسانی مناسب و درست در برنامه‌های رسانه‌ای؛
۲. تبیین ماهیت منابع و شبکه‌های خبری گوناگون جبهه معارض انقلاب اسلامی برای مخاطب؛
۳. ایجاد خلاقیت و نوآوری در تولید برنامه‌های رسانه‌ای متنوع و جذاب؛
۴. تلاش برای اعتمادسازی عمومی با استفاده از انواع رسانه‌ها؛
۵. بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های هنری برای رساندن پیام؛
۶. پرهیز از جبهه‌گیری مشخص و آشکار درباره موضوعات و ارائه غیرمستقیم پیام برای اثرگذاری بیشتر؛
۷. توجه به نظریات گوناگون، به ویژه منتقدان در برنامه‌ها در راستای افزایش اعتماد عمومی و غنای محتوایی برنامه‌ها؛
۸. استفاده از برنامه‌سازان هوشمند، فکور و آگاه به سیاست‌های جبهه انقلاب اسلامی و در عین حال متخصص در امور برنامه‌سازی؛
۹. تلاش برای ایجاد مصونیت روانی در جامعه (افکار عمومی)؛
۱۰. تلاش برای آموزش و ارتقای سطح توانایی هنرمندان و تولیدکنندگان آثار هنری در رسانه؛
۱۱. بررسی و تلاش برای شناخت دقیق مخاطب و نیازهای او؛
۱۲. پرهیز از تک‌بعدی‌نگری و رصد مداوم رسانه‌های غربی در راستای شناخت تاکتیک‌های جاری برای مقابله با آن؛
۱۳. تغییر و بازنگری در ساختارهای تولیدات رسانه‌ای متناسب با نیاز روز؛
۱۴. تعریف دوباره خط قرمزهای رسانه‌ای و حذف خطوط پیچیده نامدونی که بر پایه سلاقی ترسیم شده است نه مصلحت‌ها، با هدف بالا بردن حس اعتماد عمومی نسبت به رسانه؛
۱۵. بازنگری و کاهش بروکراسی و سلسله مراتب طولانی تصمیم‌گیری در راستای انتشار سریع اخبار با هدف کنترل افکار عمومی؛ و
۱۶. تبیین دقیق استراتژی مقابله با جنگ نرم و مهندسی پیام با بهره‌گیری از نقطه نظرات کارشناسان، متخصصان و اندیشمندان آگاه به مبانی هنری (www.mahdi-lotfi.com/index.php/1388/11/29/963)

نتیجه‌گیری

در این مقاله با تشریح مفاهیم مرتبط با جنگ نرم، حوزه‌های کلیدی تأثیرگذاری جنگ نرم، ویژگی‌ها و اهداف جنگ نرم، به تاریخچه جنگ نرم و جنگ سخت در سی سال انقلاب اسلامی پرداختیم. هدف این مقاله تبیین گزاره‌های سیاستی است که می‌تواند چارچوب‌های راهنمای

خط‌مشی مدیران، تصمیم‌گیران و طراحان رسانه‌های دیداری، شنیداری، مکتوب و دیجیتالی باشد. غرض نویسنده تصمیم‌سازی برای جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی است. جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی عبارت است از شبکه‌های خبری ماهواره‌ای داخل و خارج کشور، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، مجلات، شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی، وبلاگ‌ها، سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها و شبکه‌های رسانه‌ای مجازی به عنوان رسانه‌های نوین تا منبر و نمازجمعه و نمازجماعت و تربیون‌های سنتی که در اختیار جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی است. توجه و آشنایی با ماهیت و ابعاد جنگ نرم و همچنین به‌کارگیری گزاره‌های سیاستی تبیین شده در این مقاله می‌تواند به شکل و تقویت جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنگ رایانه‌ای اشاره به وضعیتی دارد که در آن عملیات نظامی بر اساس اطلاعات رایانه‌ای کنترل شود و یا به منظور دسترسی به عملیات دشمن برای ایجاد اختلال در ارتباطات و جلوگیری از دسترسی وی به اطلاعات تلاش شود. معنای دیگر جنگ رایانه‌ای، تلاش برای کسب اطلاعات هر چه بیشتر درباره دشمن و جلوگیری از کسب اطلاعات توسط وی درباره شماست یا به تعبیری، تلاش برای تغییر توازن اطلاعات و دانش به نفع شما، به خصوص در وضعیتی که توازن نیروهای نظامی به نفع شما نیست و در نهایت جنگ رایانه‌ای به معنای استفاده از اطلاعات برای به حداقل رساندن سرمایه، جنگ‌افزار و نیروی انسانی مورد نیاز برای کسب پیروزی در جنگ است (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۶: ۱۵).
۲. لازم به توضیح است کمیته خطر جاری در اوج جنگ سرد و در دهه ۱۹۷۰ میلادی و با مشارکت استادان برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه‌دار سازمان سیا و پنتاگون تأسیس شد و یکی از موفقیت‌آمیزترین اقدامات در جریان رقابت دو ابرقدرت شرق و غرب بود. طراحی و اجرای مراحل مختلف سناریوی فروپاشی ابرقدرت شرق از طریق جنگ نرم در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ بود. در آن مقطع و در پی اصلاحات گورباچف مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و تغییر در قوانین اقتصادی (پروستریکا) این کمیته با متفی دانستن جنگ سخت و رو در رو با اتحاد جماهیر شوروی تنها راه به زانو درآوردن بلوک شرق را جنگ نرم و فروپاشی از درون معرفی کرد. سیاست‌گذاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند.
۳. به‌طور خلاصه آنچه که در ناتوی فرهنگی تبلیغ و ترویج می‌شود، عبارت است از: اصالت لذت، دنیاگرایی، بی‌اخلاقی‌گری اجتماعی، فردیت افراطی، فمینیسم (هر چیز را از نگاه جنسیت دیدن و در یک کلام تبلیغ برای رفع حیا و از سطح اجتماع)، سوداگری اقتصادی، توده‌گرایی و ترویج بی‌بندوباری که در یک جمع‌بندی این چنین می‌توان گفت که مروجین این اصول، خواستار ایجاد یک بحران هویتی و پوچی در میان جوامع اسلامی-انسانی هستند تا از این طریق بتوانند در خلاء ایجاد شده در سطح افکار عمومی جامعه و به‌خصوص جوانان، هویتی را که متناسب و تأمین‌کننده منافع آنان است، جایگزین هویت اصلی جوامع کنند؛ مانند آنچه از ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و آزادی مطلق زنان در غرب و برخی جوامع اسلامی به‌عنوان اهرم‌های پیشرفت در راستای تأمین منافع اقتصادی بنگاه‌های بزرگ غربی با یک نگاه ابزارگونه به جنس زن و جامعه انسانی، شاهد هستیم. ابزارهای اجرای ناتوی فرهنگی نیز عبارتند از: خبرگزاری‌های بین‌المللی، شبکه‌های ماهواره‌ای،

روزنامه‌های زنجیره‌ای، سایت‌های اینترنتی، ایستگاه‌های رادیویی، ترویج مواد مخدر و قرص‌های روانگردان و باند‌های قاچاق، ترویج فیلم‌ها و برنامه‌های مستهجن با تیراژ میلیونی و با نازلترین قیمت، تأسیس ان‌جی‌اوه‌ای مختلف در قالب محیط‌زیست و هنر، حقوق بشر، دموکراسی و... اقدامات حمایتی و هدایتی نخبگان، سیاسیون، استادان دانشگاه و دانشجویان، تقویت قوم‌گرایی و ناسیونالیسم و تضعیف همگرایی داخلی کشورها، برپایی انقلابات رنگی (نارنجی، زرد، قرمز و...) و مخملی در کشورها، تشدید مذاهب ساختگی و فرقه‌گرایی، انحراف مذهبی و تفرقه مذهبی، خرافه‌گرایی، صوفی‌گرایی و تبلیغ عرفان‌های وارداتی و... ترویج مد و مدگرایی، قداست‌زدایی، بی‌بندوباری ظاهری و استحاله.

۴. یکی از شیوه‌های جنگ نرم، توسعه بخش عملیاتی آفندی جنگ رسانه‌ای و گسترش هدفمند شبکه‌های ماهواره‌ای است. در سال ۱۳۸۷ حدود پنج میلیون و چهارصد هزار گیرنده ماهواره غیرمجاز در ایران وجود داشته است. از حدود هفده هزار و ششصد و شصت و شش شبکه ماهواره‌ای جهانی، بیش از سه هزار شبکه در ایران قابل دریافت بود که از این تعداد ۳۸۰ شبکه به موسیقی‌های مبتذل، ۷۴ شبکه به تبلیغات مد و لباس و لوازم آرایش‌های غربی، ۲۷۳ شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و ۲۳۵ شبکه به برنامه‌های مبتذل و غیراخلاقی اختصاص یافته بود و هر ساله نیز از سوی مجلس نمایندگان آمریکا ردیف بودجه‌ای به توسعه این شبکه‌ها اختصاص می‌یابد.

منابع

- دومینیک، ولتون. *جهانی‌سازی دیگر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷.
- سریع‌القلم، محمود. *مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش*، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، زمستان ۱۳۸۱.
- کلیدری، امیر مهدی. *کاشت، داشت و برداشت؛ مفهوم‌شناسی جنگ نرم*، دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان، ۱۳۸۸.
- محمد تهرانی، قاسم. *براندازی*، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸.
- رزمجو، محمد. *ماهیت، ابعاد و اهداف جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن*، صدا و سیما، مرکز زنجان، ۱۳۸۸.
- ضیایی پرور، حمید. *جنگ نرم؛ ویژه جنگ رایانه‌ای*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
- نائینی، علی محمد. «بررسی شیوه‌های کاربرد قدرت نرم و عملیات روانی، کتاب جنگ روانی»، انتشارات اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی، ۱۳۸۷.
- B. A. Metiu. Kogut. *Open Sourcd Software ovelopment and distributed Innovation*, Oxford Rev, Econom, Policy, 2001.
- Matthews, William, *Chiness Cyber Attacks On Rise*: U.S. Report, <http://www.defencenews.com>, 20 Nov 2008.
- Kagan, Robert . "It s the Regime, stupid, Washington Post, 29 Jan 2006.
- Robin, Michael. *Can Iran be Trusted ?* AEI, Middle Eastern out Look, 1 Sept 2006.
- <http://www.brookings.edu/testimony/2007/1023Iran.aspx>.
- www.tebyan.net
- www.aei.org
- www.khamenei.ir
- www.leader.ir
- www.snn.ir
- www.Mahdi-lotfi.com